



خبرنگار صبا نه تنها پیش تولید این کار شروع نشده است بلکه هنوز مشخص نیست فصل دوم این سریال چه زمانی ساخته می شود. ملودرام خانه امن روایتی از یک پرونده جاسوسی – امنیتی بود که لایه هایی از عملیات پیچیده مقابله با گروهک تروریستی داعش را روایت می کرد.

به دلیل مخاطبان بالای آن تصمیم گرفته شد فصل دوم آن نیز ساخته شود. اوایل دی ماه سال گذشته زمانی که بخش این سریال ۵۰ قسمتی به پایان رسید، روابط عمومی سریال خانه امن با انتشار یادداشتی از احمد معظمی کارگردان این پروژه، از شروع پیش تولید فصل دوم این مجموعه خبر داد اما طبق پیگیری های

فصل دوم سریال «خانه امن» در بلا تکلیفی

گرچه قرار بود فصل دوم سریال تلویزیونی «خانه امن» به کارگردانی احمد معظمی ساخته شود ولی در حال حاضر برنامه مشخصی برای تولید آن وجود ندارد. به گزارش صبا، سریال تلویزیونی «خانه امن» به کارگردانی احمد معظمی و تهیه کنندگی ابوالفضل صفری سال گذشته روی آنتن شبکه یک سیما رفت و

ردان و بازیگران سریال بوتیمار

ت، مردمی است



بازیگران و عوامل سریال بوتیمار مهمان جام جم شدند / عکس ها: چاووش همایونی - مجید آزاد / جام جم

آینده قرار است چه اتفاقی بیفتد و باید امروز را شاد زندگی کنیم حتی با وجود سختی هایی که با آن روبه رویم. بنابراین اساسی قصه بوتیمار به این شکل طراحی شد و تقابل آدم های مختلف نسبت به مشکلات زندگی را در طنز موقعیت روایت کرد. سریال بوتیمار روایتگر زندگی مردی به نام پرویز بود که با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کرد که این نقش را حمید لولایی بازی کرد و نقش همسرش را مرجانه گلچین به عهده داشت. در این سریال به مشکلات اقتصادی مردم از ضرر هایی که در بورس داشتند تا گرانی اجناس و... بازیان طنز پرداخت شده بود. بعد از پایان پخش سریال، میزبان مهران مهمان تهیه کننده، علیرضا نجف زاده کارگردان، مرجانه گلچین بازیگر نقش مادر خانواده، ندا کوهی بازیگر نقش زهرا و علی صبور ی بازیگر نقش نهال و مجتبی احمدی مشاور تهیه کننده در روزنامه جام جم شدیم و آنها درباره جزئیات مختلف این سریال صحبت کردند که در زیر مطالعه می کنید.

دقیقه ۳۰ ثانیه از سریال را دور ریختم

ل قبولی ارائه کنم که مردم دوست

بازار چنین آثاری را می خواهند و دوستش دارند و باید

برای آنها ساخته شود.

مهمان: اقتدر باخورد های مردم دلگرم کننده بوده که

بخش زیادی از این مسیر را پیش می برد؛ مثلاً یکی از

بازیگران بوتیمار مدتی پیش در خانه اش لوله کشی

داشته و هزینه آهنگری آن حدود هفت میلیون بوده اما

می گفت در نهایت آن فرد هزینه را قبول نکرده، در صورتی

که برای او چنین مبلغی رقم قابل توجهی بوده اما گفته به

هیچ وجه آن را نمی گیرد. خود من همین تاژی مشکلی

داشتم که اگر برای شمای نوعی باشد باید ماه ها برای آن

دوندگی کنید اما ظرف پنج روز این مساله برطرف شد.

گفتم چرا؟ گفت من از دیدن بوتیمار واقعا لذت بردم.

نمی شود این محبت مردم را نادیده گرفت. این نگاه در

بین مسئولان و سریال سازان به شکل دیگری است.

چه شکلی؟

مهمان: مثلاً شما نگاهی به جشنواره های مختلفی که در

حوزه تولیدات تلویزیونی برگزار می شود، ببیند ازید. در آنها

اغلب با ملودرام ها طوری برخورد می شود که انگار خیلی

کلاس بالاتری نسبت به بقیه دارند و کمدی را آن طور که

باید جدی نمی گیرند.

گلچین: در صورتی که به نظر من حداقل در شرایط امروز

جامعه این فضا بسیار نیاز است که هم بچندیم و هم

با همان زهر خندی که گفتم، نگاه کنیم که چه بلایی

دارد سر ما می آید. این که چرا اقتدر گرانی هست؟ چرا

وضعیت ماشین به این شکل است؟ و موارد دیگری که

نیاز است. در این بین همین که ما بتوانیم یک ساعت

حال مردم را خوب کنیم، فکر می کنم اجرم را از کاری که

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی تکرار نیست و عین زندگی ما است.

ده: هر کسی حق دارد از کاری خوشش بیاید یا آن را

نداشته باشد و نمی شود همه را راضی کرد. اما این که

و نقد غیر منصفانه کنیم، بحث دیگری است. مثل

کتر هایی که نه در زمینه پزشکی به جایی رسیده و نه

ما کاری کرده و این واژه همراه اسم شان است، از سال

که بحث خانه سینما پیش آمد و من به عنوان رای

بضاعت گلچین، فقط طنز نیست

نقدی بوده که در طول کار شما را نراحت کرده باشد؟

گلچین: نه من اغلب ناراحت نمی شوم. همچنین وقتی کسی من را

دوست دارد زمانی که ایرادی از من می گیرد، آن را با جان و دل گوش

می دهم. اما گاهی یک نفر مغرضانه می گوید تو کلیشه ای بازی

می کنی، اما اصلا کلیشه ای یعنی چه؟ آن هم وقتی باخورد های مردم

چیز دیگری می گوید و این افتخاری است که تو بتوانی عموم را با

خودت همراه کنی. در همه جای دنیا نیز همین است. مگر من زبان

آلمانی بلدم؟ ولی وقتی اثر ارزشمندی را می بینم با آن هم ذات پنداری

می کنم چون از دل برآمده و بر دل نشسته است. اینجا نیز

همین طور است. من نمی خواستم لقمه عجیب و غریبی برای مردم

بگیرم، بلکه شخصیتی را بازی کردم که ما به ازای آن میان خانواده و

اقوام مخاطب هم بوده و زمانی که آن را می بیند می گوید این که خود

من هستم و چنین نگاهی برای من هم حس لذت بخشی دارد. آن

وقت زمانی که نقد می کند نیز آن را هم می پذیرم.

درباره کلیشه بودن که گفتید، بله برخی از حضور مدام شما در

حوزه طنز با یک فضای کلی می گویند اما شما آثار جدی هم کم

نداشدید.

درست است و بضاعت مرجانه گلچین در نباید تنها در فیلم ها

و سریال های طنز دید. اگر من بتوانم متفاوت بودن را در ژانر

وحشت، ملودرام معنوی، عاشقانه و... بازی کرده و بعد کمدی

کنم، کارم، اینها را باید با هم مقایسه کنند. اما وقتی جنس طنزی که

داریم یکی است. قرار نیست چیز عجیب و غریبی از آن دریابید

و تفاوت در انتخاب ژانر است که می تواند از بازیگر، یک چهره

متفاوت بسازد.

شما با توجه به تجربه ای که دارید چه نمره ای به این سریال

می دهید؟

من بوتیمار را دوست داشتم که آن را پذیرفتم چون در غیر این

صورت کاری را بازی نمی کنم. حالا این که خروجی هر کاری با چیزی

که در ذهنم داشتم، چقدر نزدیک است، موضوعی است که در

مورد تفاوت دارد اما درباره بوتیمار نمره بدی به آن نمی دهم،

چون خودم هم در آن مقطع شرایط نرمالی نداشتم و درگیر جریان

عجیبی بودم که دوستان در جریانش بودند. البته همیشه سعی

می کنم هیچ وقت حالم را در کار دخیل نکنم. با وجود این، با اوضاع

و احوال جامعه و کرونا وقتی همه را کنار هم می گذارم، نمره بدی به

آن نمی دهم، همچنین این مجموعه را با دیگر کارهایی مثل زوج

یا فرد را حتی بزنگاه، متفاوت می دانم. تفاوت آن هم این است که

ما در هر مقطعی مطابق آن زمان کار می سازیم و مورد کرونا هم

مساله عجیبی بود که در پرداخت به آن نمره قابل قبولی می گیریم.



بوتیمار ۲ داریم؟

آقای نجف زاده: با توجه به کار قبلی شما یعنی زوج یا فرد، آیا از

این به بعد هم قرار است شما رتتها در قالب طنز ببینیم؟

نجف زاده: من کارهای زیادی را در مقام دستکاری با

کارگردان های مختلف تجربه کرده ام، از تراژدی گرفته تا درام

و طنز. اما برای ادامه باید ببینیم نیاز مخاطب چیست.

به طور کلی ساختن کار طنز به شدت سخت است، متاسفانه

همان طور که دوستان هم گفتند، مسؤو لان یا جشنواره ها کار

طنز را خیلی جدی نمی گیرند. برای من چه کاری را انجام دادن

بیشتر از صرفا کار کردن مهم است. من بعد از زوج یا فرد چند

پیشنهاد داشتم اما دیدم قصه شان چیزی ندارد که من را درگیر

گفتم نگاه های مختلفی هم در این نظرات دخیل است به همان شکل که قبل از این که سریال

آماده شود، گفتم دوستان نقد و حمله آماده داشتند.

اما چرا می خواستند به شما و سریال تان حمله کنند؟

نجف زاده: چون بخشی از آدم ها نسبت به تلویزیون گارد دارند و این حالت نسبت به شبکه سه

بیشتر است تا جایی که بحث بخشی از آنها ما نیستیم و شما هر کاری را از این شبکه پخش کنید،

آنها حمله می کنند. این یکی از دلایلی است که در جریان آن هستیم و دیگر موارد را باید از خودشان

بیرسیم که چرا شما وقتی هنوز حتی قسمت سوم پخش نشده، چنین تحلیل هایی را با قطعیت

بیان و مطرح می کنید؟! بخشی از این موضوع نیز به همان قضاوت بر مبنای پیش زمینه ای که از

آدم ها دارند، برمی گردد.

یعنی شما از بازی علی صبور ی راضی هستید و دفاع می کنید؟

نجف زاده: من به جرأت می گویم از قسمت ۱۳ و ۱۴ اگر منتقدی سریال و بازی علی صبور ی را ندیده

باشد، باید فکری به حال نقدهایش کند. از این قسمت ها به بعد بازی علی صبور ی به شدت

قابل دفاع و متفاوت است، چون او در چند قسمت اول بازی چندان نداشت اما در چند قسمت

آخر که حجم بازی او بیشتر می شود من آن را به عنوان کارگردان می پسندم.

صبور ی: دیگر سریال تمام شده بود البته (با خنده).

نجف زاده: در ضمن هر آدم جدیدی که وارد می شود از ابتدا گارد ذهنی نسبت به

او وجود دارد. من با کم دین های زیادی به عنوان دستیار کارگردان کار کرده ام، مثلاً

نسبت به بازیگران «پایتخت ۱» همه گارد داشتند که اینجا از کجا آمده اند و که هستند؟

کلچین: این مساله قضاوت بر اساس ذهنیت همیشه وجود دارد. مثلاً ما با قدیمی ترها

که کار می کنند، می گویند باز هم گلچین را آوردید؟ و از سوی دیگر وقتی چهره های جدید

را می آورند باز هم می گویند ای بابا این از کجا آمده است؟ در واقع این ای بابا همیشه

و در حالتی وجود دارد.

صبور ی: واقعا این مساله هست. مثلاً خانم گلچین مدتی پیش سریال

موچین را بازی می کرد و نقش پرشرش را علی صادقی بازی می کرد اما آن

موقع یادم می آید می گفتند این ترکیب تکراری است، بعد که به بوتیمار

رسیدیم و من در این سریال بودم، می گفتند کاش به جای علی صبور ی،

علی صادقی بود. یک نفر کامنت گذاشته بود واقعا چیف که سعید

آقاخانی از تلویزیون رفت؛ در حالی که همین دو ماه پیش نون خ داشت

پخش می شد. ما مردم و واکنش آنها را در خیابان می بینیم اما گروهی

که در فضای مجازی مدام چنین صحبت هایی دارند، نمی دانم واقعا

ببینند و منتقد هستند یا مساله دیگری دارند؟

آقای صبور ی: اما در این سریال ما از شما بازی های را می بینیم که تفاوتی با

آنچه از شما دیده بودیم، ندارد و گاهی نمی خندانند. مثل صحنه

ساندویچ خوردن مان خودتان چه نظری در این باره دارید؟

صبور ی: در این شرایط می توانید تلویزیون را خاموش کنید یا شبکه دیگری

را ببینید (می خندد)

مردم طنز می خواهند

چرا با وجود این نگاه و فشارها باز هم طنز می سازید؟

کلچین: چون این یک واقعیت است که مردم کوچه و

بازار چنین آثاری را می خواهند و دوستش دارند و باید

برای آنها ساخته شود.

مهمان: اقتدر باخورد های مردم دلگرم کننده بوده که

بخش زیادی از این مسیر را پیش می برد؛ مثلاً یکی از

بازیگران بوتیمار مدتی پیش در خانه اش لوله کشی

داشته و هزینه آهنگری آن حدود هفت میلیون بوده اما

می گفت در نهایت آن فرد هزینه را قبول نکرده، در صورتی

که برای او چنین مبلغی رقم قابل توجهی بوده اما گفته به

هیچ وجه آن را نمی گیرد. خود من همین تاژی مشکلی

داشتم که اگر برای شمای نوعی باشد باید ماه ها برای آن

دوندگی کنید اما ظرف پنج روز این مساله برطرف شد.

گفتم چرا؟ گفت من از دیدن بوتیمار واقعا لذت بردم.

نمی شود این محبت مردم را نادیده گرفت. این نگاه در

بین مسئولان و سریال سازان به شکل دیگری است.

چه شکلی؟

مهمان: مثلاً شما نگاهی به جشنواره های مختلفی که در

حوزه تولیدات تلویزیونی برگزار می شود، ببیند ازید. در آنها

اغلب با ملودرام ها طوری برخورد می شود که انگار خیلی

کلاس بالاتری نسبت به بقیه دارند و کمدی را آن طور که

باید جدی نمی گیرند.

گلچین: در صورتی که به نظر من حداقل در شرایط امروز

جامعه این فضا بسیار نیاز است که هم بچندیم و هم

با همان زهر خندی که گفتم، نگاه کنیم که چه بلایی

دارد سر ما می آید. این که چرا اقتدر گرانی هست؟ چرا

وضعیت ماشین به این شکل است؟ و موارد دیگری که

نیاز است. در این بین همین که ما بتوانیم یک ساعت

حال مردم را خوب کنیم، فکر می کنم اجرم را از کاری که

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی تکرار نیست و عین زندگی ما است.

ده: هر کسی حق دارد از کاری خوشش بیاید یا آن را

نداشته باشد و نمی شود همه را راضی کرد. اما این که

و نقد غیر منصفانه کنیم، بحث دیگری است. مثل

کتر هایی که نه در زمینه پزشکی به جایی رسیده و نه

ما کاری کرده و این واژه همراه اسم شان است، از سال

که بحث خانه سینما پیش آمد و من به عنوان رای

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی تکرار نیست و عین زندگی ما است.

ده: هر کسی حق دارد از کاری خوشش بیاید یا آن را

نداشته باشد و نمی شود همه را راضی کرد. اما این که

و نقد غیر منصفانه کنیم، بحث دیگری است. مثل

کتر هایی که نه در زمینه پزشکی به جایی رسیده و نه

ما کاری کرده و این واژه همراه اسم شان است، از سال

که بحث خانه سینما پیش آمد و من به عنوان رای

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی تکرار نیست و عین زندگی ما است.

ده: هر کسی حق دارد از کاری خوشش بیاید یا آن را

نداشته باشد و نمی شود همه را راضی کرد. اما این که

و نقد غیر منصفانه کنیم، بحث دیگری است. مثل

کتر هایی که نه در زمینه پزشکی به جایی رسیده و نه

ما کاری کرده و این واژه همراه اسم شان است، از سال

که بحث خانه سینما پیش آمد و من به عنوان رای

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی تکرار نیست و عین زندگی ما است.

ده: هر کسی حق دارد از کاری خوشش بیاید یا آن را

نداشته باشد و نمی شود همه را راضی کرد. اما این که

و نقد غیر منصفانه کنیم، بحث دیگری است. مثل

کتر هایی که نه در زمینه پزشکی به جایی رسیده و نه

ما کاری کرده و این واژه همراه اسم شان است، از سال

که بحث خانه سینما پیش آمد و من به عنوان رای

حرفه ام بوده، گرفتیم.

مردم گلچین اصلا فکر می کنید چرا در کشور ما مردم

ای مختلفی برای دودی کردن شیشه ماشین شان

؟ ما مردمی هستیم که پشت چراغ قرمز سرمان در

بقیه است، در رستوران مدام چشم مان ممکن است

بگری بیفتد و همان داستانی که آن را منعکس کردیم؛

متد. این حتی ت